

تأثیر القای کلیشه‌های جنسیتی بر یادگیری مهارت حرکتی فوتبال در دانش‌آموزان دختر

لیلی علیزاده^۱، محسن شیرمحمدزاده^۲

چکیده

کلیشه‌ها تصوراتی کلی و انعطاف‌ناپذیر هستند که در ذهن انسان جای می‌گیرند و در قضاوت‌ها استفاده می‌شوند که می‌توانند ادراک شخص و توانایی‌ها و عملکرد او را تحت تأثیر قرار دهند. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر القای کلیشه‌های جنسیتی بر یادگیری مهارت حرکتی فوتبال در دانش‌آموزان دختر بود.

گروه نمونه این پژوهش نیمه‌تجربی و میدانی، شامل سی دانش‌آموز دختر دوازده ساله با میانگین سنی $M=0 \pm 12/43$ بودند که بطور تصادفی در دو گروه شرایط تهدید کلیشه‌ای یا کلیشه‌های منفی و شرایط ارتقاء کلیشه‌ای یا کلیشه‌های مثبت قرار گرفتند. از یک آزمون ضربه با پای ترجیحی به توپ فوتبال به مربع هدف، به عنوان ابزار استفاده شد.

برای تجزیه و تحلیل نتایج داده‌های دقت آزمودنی‌ها از روش تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شد. نتایج نشان داد که هر دو گروه آزمایشی نمرات دقت مشابهی را در روند اکتساب تکلیف بدست آوردند. ولی در مرحله القای کلیشه‌های جنسیتی و آزمون یادداری گروه کلیشه‌های مثبت نتایج بهتری کسب نمودند. به نظر می‌رسد استفاده از جملات مختلف کلیشه‌ای با تأثیر بر ادراک شخص، روی عملکرد حرکتی، یادگیری و انگیزه افراد تأثیر گذار باشد.

کلیدواژه‌ها: کلیشه‌های جنسیتی، تهدید کلیشه، یادگیری حرکتی، دختران

^۱ دکتری یادگیری حرکتی، استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. ipak65@gmail.com

^۲ دکتری مدیریت ورزشی، استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

Mohsenshirmohamadzade537@gmail.com

مقدمه

مطالعات نشان می‌دهند که یادگیرندگان انسانی پردازشگرهای خنثی اطلاعات نیستند و یادگیری حرکتی فرآیندی مرتبط با تمرین یا تجربه است که منجر به تغییرات نسبتاً دائمی و پایدار در توانایی رفتار ماهرانه می‌شود (۱) که می‌تواند تحت تأثیر عوامل انگیزشی هم قرار بگیرد (۲). وقتی ما از جملات مختلف به عنوان بازخورد یا پیام استفاده می‌کنیم این جملات می‌توانند اثرات انگیزشی متفاوتی ایجاد کنند.

پدیده انگیزش غالباً دلایل رفتار را توضیح می‌دهد و این که چرا انسان در مواقع مختلف دست به رفتارهای متفاوت می‌زند. درواقع، انجام هر کاری به ویژه در زمینه ورزش، دارای منبع انگیزشی است و هدف انگیزش تقویت اعمال و احساس‌های مطلوب ورزشکاران است (۳). براساس نظر محققان، عوامل مؤثر بر انگیزش عوامل اولیه و مؤثر بر یادگیری مهارت‌ها هستند (۴). براساس نظریاتی در این زمینه، چگونگی تأثیرگذاری انگیزش بر اجرا به تفسیر فرد از سطوح انگیزش بستگی دارد. از سوی دیگر اگر این سطوح انگیزش به صورت احساس لذت، اضطراب و حالت نامطلوب تفسیر شود، اجرا تقویت یا تضعیف می‌شود.

بر این اساس ممکن است عوامل مؤثر بر انگیزش نظیر اهمیت تکلیف، بازخورد، هدف‌گزینی و ... بر تفسیر فرد از آن تأثیر گذاشته و یادگیری را متأثر سازد (۴). یکی از متغیرهای مهم اجتماعی-شناختی که بر عملکرد تحصیلی و همچنین یادگیری مهارت‌های حرکتی تأثیر می‌گذارد، کلیشه‌ها و باورها هستند (۵) که ممکن است در قالب‌های گوناگون به افراد ارائه شوند. کلیشه‌ها تصوراتی کلی و انعطاف‌ناپذیر هستند که در ذهن انسان جای می‌گیرند و در قضاوت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. تصور بر این است که کلیشه‌های جنسیتی نشان دهنده تفاوت‌های زیاد بین زن و مرد هستند اما غالباً این باورها هیچ‌گونه پایه و اساس واقعی ندارند. این کلیشه‌هایی که فرهنگ القا کرده است، در واقع خصوصیتی هستند که از نظر اجتماعی برای مردان و زنان مطلوب به شمار می‌روند (۶).

در حقیقت این فرایند جهت‌گیری جنسیتی بیش از آن که ناشی از تفاوت‌های ساختاری بین زن و مرد باشد از فرهنگ و اجتماع تأثیر می‌پذیرد. در این زمینه، جنسیت و ورزش یکی از موضوعات مورد مناقشه و بررسی در محافل علمی و در بین محققان بوده است (۷). در اغلب جوامع، پاره‌ای از ورزش‌ها مخصوص پسران و برخی دیگر مخصوص دختران است که در جریان اجتماعی شدن، کودکان به ورزش‌هایی سوق داده می‌شوند که مناسب یک جنس است. پسران یاد می‌گیرند و تشویق می‌شوند که در ورزش‌های تهاجمی، رقابتی و شدید شرکت کنند، در حالی که دختران به سوی فعالیت‌های لذت‌بخش فردی مانند ژیمناستیک، اسکیت و شنای موزون هدایت می‌شوند (۸).

همانند مشاهده تفاوت‌های جنسیتی در سایر حوزه‌های کنش اجتماعی، در ورزش نیز با توجه به ماهیت فرهنگی و اجتماعی آن، دنیای ورزش مردان، با دنیای ورزش زنان کاملاً متفاوت است. این مغایرت هم به لحاظ پیوند با ساختارهای رسمی ورزش و هم در مواجهه با زمینه‌های فرهنگی جامعه، کاملاً آشکار است. فرهنگ و جامعه می‌توانند تأثیر عمیقی بر رفتارهای حرکتی افراد، در حیطه ورزش و فعالیت‌های بدنی داشته باشند (۹). کلیشه‌هایی که در مورد ویژگی‌های یک گروه از افراد وجود دارند، توان و پتانسیل تغییر رفتارهای آن جمع را نیز دارد، به عنوان مثال افرادی که از تأیید کلیشه‌های منفی راجع به گروه خود می‌ترسند، معمولاً عملکردشان نیز ضعیف است (۱۰). استیل و آرونسون (۱۹۹۵) در یک آزمون کلامی دشوار به عنوان معیار تشخیص توانایی، مشاهده کردند که شرکت‌کنندگان سیاه پوست در شرایط تهدید کلیشه‌ای نسبت به عدم وجود چنین شرایط کلیشه‌ای، عملکرد بدتری داشتند. در حالی که تفاوت‌های عملکردی ناشی از جنسیت را می‌توان از جنبه‌های بیولوژیک توضیح داد، همچنین این تفاوت‌ها صرفاً به این دلیل که عموم مردم چنین اعتقادی دارند هم ممکن است مطرح شود (۱۰).

مطالعات نشان داده‌اند که برای مثال باورها در مورد فاکتور انعطاف‌پذیری یا ثبات در توانایی‌های کلیدی می‌توانند بر نحوه کنترل و یادگیری مهارت‌های حرکتی در بزرگسالان (۱۱) و حتی در کودکان تأثیر بگذارند (۱۲). بیلوک^۲ و همکاران (۲۰۰۶) در بررسی‌های خود متوجه شدند که تهدید کلیشه‌ای جنسیت با عملکرد دقتی بد در بین ورزشکاران حرفه‌ای مرد هنگام تکلیف ضربات پات^۳ (ضربه‌ای که از محوطه سبز به سمت حفره زده می‌شود) در ورزش گلف ارتباط معناداری دارد (۱۳). از طرف دیگر شرایط تهدید کلیشه‌ای جنسیت، عملکرد مردان را در مهارت حرکتی‌ای مثل دریبل فوتبال که به صورت سنتی به عنوان فعالیتی مردانه تلقی می‌شود، تحت تأثیر قرار نداده است (۱۴). در حالی که ایجاد شرایط تهدید کلیشه‌ای معمولاً در تکالیفی که در آن‌ها کلیشه‌ها از قبل به طور گسترده شناخته شده‌اند، تهدید بیشتری ایجاد می‌کند، در عین حال تحقیقات نشان داده است که اهمیت دادن به کلیشه‌ها زمانی که تکالیف از نوع دشوار تلقی می‌شوند نیز احتمالاً بر عملکرد تأثیر بگذارد (۱۵). در واقع، کلیشه‌سازی پایدار برای مختل شدن عملکرد ضروری نیست، فقط کفایت فرد به اندازه کافی در مورد عملکرد خوبش نگران باشد تا از وجود کلیشه‌ای که ممکن است توانایی انجام این کار را در او زیر سؤال ببرد، اذیت شود (۱۶). این مطالب این ایده را تأیید می‌کند که فعال‌سازی کلیشه‌های منفی می‌تواند عملکرد افراد کلیشه‌ای را مختل کند (۱۷). دلیل

1. Steele & Aronson

2. Beilock

3. Putt

تأثیرات منفی موقعیت‌های تهدید کلیشه‌ای را می‌توان بر اساس نظریه چهارچوب تناسب تنظیمی هیگینز^۱ (۲۰۰۰) بیان نمود. طبق چهارچوب تناسب تنظیمی، اثرات تهدید کلیشه‌ای یا کلیشه‌های منفی به‌طور خلاصه، به اهداف شرکت‌کنندگان بستگی دارد (به عنوان مثال، تمرکز بر ارتقاء عملکرد: حساس به سود و عدم سود در مقابل تمرکز بر پیشگیری: حساس به ضرر و زیان). به عبارت دیگر، اگر بین ساختار پاداش (یعنی سود در مقابل ضرر) و تمرکز نظارتی اتخاذ شده (یعنی ارتقاء در مقابل پیشگیری) "تناسب" وجود داشته باشد، پس از القای کلیشه منفی عملکرد افزایش می‌یابد. برعکس، اگر بین این دو تناسبی وجود نداشته باشد، عملکرد دچار افت و کاهش خواهد شد (۱۸). علاوه بر این سبیت و فورستر^۲ (۲۰۰۴) نیز بیان می‌کنند که کلیشه‌های منفی تمرکز فرد بر پیشگیری را تحریک می‌کنند (۱۹). مطابق با اکثر مطالعات پیشین در خصوص ارزیابی تأثیر شرایط تهدید کلیشه‌ای، آزمونگر از شرکت‌کنندگان خواسته است تا بهترین عملکرد خود را در تکلیف مورد نظر انجام دهند، به عنوان مثال، انجام تکلیف در بیل فوتبال با حداکثر سرعت ممکن (۲۰) و بدین وسیله شرکت‌کنندگان را با ایجاد یک شرایط "عدم تناسب" به تصمیم در خصوص انجام این کار و بررسی سود و زیان سوق داده‌اند. چند مطالعه سعی کرده‌اند این فرضیه را در حوزه حرکتی تأیید نمایند. به‌طور کلی، زمانی که شرکت‌کنندگان در یک موقعیت تهدید کلیشه‌ای بر ضرر (به جای سود) تمرکز می‌کنند، بهبود عملکرد بیشتر مشاهده می‌شود (۲۱)، که این موضوع با نظریه تناسب تنظیمی مطابقت دارد (۱۸).

با این حال، مطالعاتی که اثرات شرایط کلیشه‌ای بر یادگیری را تأیید می‌کنند، بسیار محدود هستند. مطالعات کمی اثرات کلیشه‌های جنسیتی را بر حوزه حرکتی بررسی کرده‌اند. برای مثال، مطالعه تیلور و والتون^۳ (۲۰۱۱)، که در آن مداخلات کاهش تهدید کلیشه‌ای در شرکت‌کنندگان آفریقایی-آمریکایی، مزایای یادگیری طولانی‌مدت را به همراه داشته است (۲۲)، و مطالعه رایدل و بوچر^۴ (۲۰۱۰) که اثرات آن را بر یادگیری نشان می‌دهد (۲۳). چالابو، بریس والتر و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی مشاهده کردند که عملکرد بازیکنان زن بسکتبال در مقایسه با شرکت‌کنندگان گروه کنترل، وقتی این مهارت عمداً به عنوان صفات مردانه و به عنوان عاملی برای تشخیص توانایی‌های ورزشی‌ای مثل قدرت، سرعت و دیگر ویژگی‌های کلیشه‌ای معرفی شود، کاهش می‌یابد (۲۴). کاردوزو، چالابو و چویاکوفسکی^۵ (۲۰۲۲) در بررسی تأثیر کلیشه‌های جنسیتی بر عملکرد تعادلی و یادگیری در مردان نشان

1. Higgins

2. Seibt & Förster

3. Taylor & Walton

4. Rydell, Rydell & Boucher

5. Brisswalter

6. Cardozo, Chalabaeve, Chiviawsky

می‌دهند که کلیشه‌های جنسیتی می‌توانند بر ادراک شایستگی و عملکرد تعادلی تأثیر بگذارند، اما بر یادگیری مهارت تعادل در مردان تأثیری ندارند (۲۵). باستوس^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر کلیشه‌های جنسیتی بر عملکرد و یادگیری رقص باله کلاسیک در پسران پرداختند. آن‌ها به شرکت‌کنندگان در گروه تهدید کلیشه‌ای اعلام کردند که به‌طور کلی، پسران در مقایسه با دختران، در هنگام اجرای تکلیف باله نتایج بدتری نشان می‌دهند اما به شرکت‌کنندگان در گروه ارتقاء کلیشه‌ای گفتند که دختران در مقایسه با پسران نتایج بدتری از خود نشان می‌دهند. به گروه کنترل دستورالعمل‌های کلیشه‌ای ارائه نکردند. نتایج یافته‌های این محققین نشان داد که گروه تهدید کلیشه‌ای عملکرد بدتری را نسبت به گروه ارتقاء کلیشه و گروه کنترل در طول تمرین و یادداری (روز بعد) از خود نشان دادند و گروه‌های ارتقاء کلیشه‌ای و کنترل تفاوت معناداری باهم نداشتند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تهدید کلیشه‌های جنسیتی می‌تواند عملکرد حرکتی و یادگیری را در پسران تضعیف کند (۲۶).

دشایز، کلمنت-گولیتن و زوری^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان مردان بهتر از زنان هستند به بررسی تأثیر القای کلیشه‌های جنسیتی بر عملکرد فیزیکی در اجرای تکلیفی که نیاز به مهارت فنی نداشت، پرداخته‌اند. این پژوهشگران از یک تکلیف استقامتی که می‌توان در زندگی روزمره با آن مواجه شد (تکلیف دوچرخه‌سواری با سرعت) استفاده کردند. نتایج مطالعات آن‌ها که یکی از اولین پژوهش‌هایی است که در زمینه ورزش صورت گرفته و نتایج آن با نتایج قبلی متناقض است، گزارش می‌دهد که وقتی زنان یک کلیشه منفی نسبت به خودشان دریافت می‌کنند، عملکرد بهتری نشان می‌دهند. محققین این پژوهش بیان می‌کنند که اثر القای یک کلیشه منفی به نوع تکلیف ارتباط زیادی دارد، اما برای بررسی عمیق‌تر مکانیسم‌های درگیر به تحقیقات بیشتری مورد نیاز است (۲۷). در ایران هم در حوزه تناسب جنسیتی ورزش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی تحقیقاتی صورت گرفته است. به عنوان مثال یوسفی (۱۳۹۲) در بررسی تناسب جنسیتی در ورزش‌های رقابتی بیان می‌کند که بین دیدگاه دختران و پسران در مورد تناسب جنسیتی ورزش‌های ژیمناستیک، شنا، تنیس روی میز، ایروبیک و فوتسال تفاوت معناداری وجود دارد و در ادامه تبیین نتایج خود اذعان می‌کند که کلیشه جنسیتی در ترجیح ورزش‌های رقابتی برای مردان و زنان نقش دارد (۷). نتایج پژوهش مردانی‌نیا و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان بررسی طبقه‌بندی جنسیتی ورزش‌ها از دیدگاه دبیران تربیت‌بدنی نشان می‌دهد ورزش‌های بوکس، کشتی و وزنه‌برداری کاملاً مردانه، فوتبال و پرتاب‌ها بیشتر مردانه و پاتیناز، باله، ایروبیک، شنای موزون و ژیمناستیک هنری بیشتر زنانه و سایر ورزش‌ها خنثی ارزیابی شده‌اند (۲۸). با توجه به ادبیات پژوهش مشخص می‌شود که ضرورت و اهمیت بررسی و مطالعه کلیشه‌های جنسیتی به دلیل آثار

1. Bastos

2. Deshayes, Clément-Guillotin and Zory

زیان باری است که این موضوع در جامعه و علی‌الخصوص محیط‌های ورزشی دارند. از جمله مهم‌ترین آثار زیان‌آور وجود کلیشه‌های جنسیتی این است که آن‌ها به عامل تبعیض میان جنس‌ها شده و بر روی رفتار اجتماعی متعاقب و حضور در برخی رشته‌های ورزشی مرتبط اثرات سوء می‌گذارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اکثر تحقیقات صورت گرفته به‌خصوص در ایران، در حوزه تفاوت حضور کلیشه‌های جنسیتی و تناسب جنسیتی در رشته‌های مختلف ورزشی و مقایسه آن در بین مردان و زنان بوده است و مطالعاتی که تفاوت تأثیر کلیشه‌های جنسیتی را بر روی یادگیری آن هم از نوع یادگیری مهارت حرکتی نشان دهد، یافت نشد. اما در تحقیقات انجام شده در کشورهای دیگر مطالعاتی وجود دارد از جمله تحقیق کاردوزو، چالابو و چویاکوفسکی (۲۰۲۲) که در پیشینه مطرح شد و نتایجش نشان دهنده تأثیر شدید کلیشه‌های جنسیتی بر عملکرد تعادلی افراد بود. لذا پژوهش حاضر با توجه به اهمیت موضوع و چالش‌های موجود در پی بررسی پاسخ به این سؤال است که میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی بر یادگیری مهارت حرکتی فوتبال که طبق پیشینه پژوهش به عنوان ورزشی کاملاً مردانه تلقی می‌شود در بین دانش‌آموزان دختر چه تأثیری می‌تواند داشته باشد.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، روش پژوهش حاضر از نوع نیمه‌تجربی و میدانی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و آزمون یادداری با هدف کاربردی بود. جامعه آماری این پژوهش تمام دانش‌آموزان دختر ۱۲ سال شهرستان اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بودند که از این جامعه تعداد سی دانش‌آموز دختر با میانگین سنی $M=0 \pm 12/43$ و بدون هیچ‌گونه مشکل جسمی یا ذهنی به صورت در دسترس و داوطلبانه انتخاب شدند (مجموع مدارس هر دو اداره آموزش و پرورش ناحیه یک و ناحیه دو اردبیل در دوره دوم مقطع ابتدایی ۵۶ مدرسه و تعداد کل دانش‌آموزان دختر این مدارس ۱۳۶۸۳ نفر بود). ملاک‌های ورود به پژوهش شامل عدم وجود آسیب‌دیدگی جسمانی و عدم تجربه تمرینات فوتبال بود. از توپ فوتبال سایز مناسب که از جنس چرم بود (محیط: ۶۹ سانتی متر؛ وزن: ۴۴۰ گرم) به عنوان ابزار تحقیق استفاده شد. برای انجام تکلیف شرکت‌کنندگان باید توپ را با ضربه زمینی آرام از فاصله هفت متری به ناحیه هدف مربعی شکلی که بصورت ۵۰ در ۵۰ سانتی‌متر بر روی دیوار و مماس با زمین بود ضربه می‌زدند. هدف شرکت‌کنندگان این بود به گونه‌ای به توپ ضربه بزنند که به مربع هدف برخورد کند که در این صورت سه امتیاز را به‌همراه داشت. دو ناحیه دیگر با اندازه و ابعاد یکسان، در سمت چپ و راست مربع هدف کشیده شده بود. اگر توپ به هر یک از این نواحی جانبی چپ یا راست هدف برخورد می‌کرد، یا اصلاً برخوردی به اهداف نداشت، امتیاز کمتری داده می‌شد (۲ و ۱ و ۰). شرکت‌کنندگان بطور تصادفی با تعداد

برابر در دو گروه شرایط تهدید کلیشه‌ای (کلیشه‌های منفی) و شرایط ارتقاء کلیشه‌ای (کلیشه‌های مثبت) قرار گرفتند. به آن‌ها گفته شد که به توپ با هر پای که ترجیح می‌دهند ضربه بزنند.

در طول مرحله اول آزمایش، تمام شرکت‌کنندگان در هر دو گروه، تعداد ۱۲ کوشش ضربه‌زدن به توپ فوتبال را به سمت هدف و به صورت تمرینی انجام می‌دادند. ده دقیقه بعد تعداد شش ضربه هم در مرحله دوم اجرا کردند که بعد از هر سه کوشش تمرینی، جملات کلیشه‌ای متفاوتی به هر گروه ارائه می‌شد. به عنوان مثال، به شرکت‌کنندگان در گروه تهدید کلیشه‌ای (کلیشه‌های منفی) اطلاع داده شد که ما علاقه‌مند به بررسی تفاوت‌های توانایی ضربه‌زدن به توپ فوتبال بین مردان و زنان هستیم، که مطالعات قبلی نشان داده است که "زنان در مقایسه با مردان در اجرای آن مشکل دارند" و ما در تلاشیم تا علت آن را بدانیم که چرا آن‌ها این مشکلات را دارند. به شرکت‌کنندگان در گروه ارتقاء کلیشه‌ای (کلیشه‌های مثبت) هم اطلاع داده شد که ما علاقه‌مند به بررسی تفاوت‌های توانایی ضربه‌زدن به توپ فوتبال بین مردان و زنان هستیم، که مطالعات قبلی نشان داده است که "مردان در مقایسه با زنان در اجرای آن مشکل دارند" و ما در تلاشیم تا علت آن را بدانیم که چرا آن‌ها این مشکلات را دارند. یک روز بعد آزمون یادداری، متشکل از شش ضربه بدون هیچ‌گونه القای کلیشه‌ای در خصوص تأثیر جنسیت انجام شد. برای تجزیه و تحلیل آماری از آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی توزیع نرمال بودن داده‌ها و از آزمون لون برای بررسی برابری واریانس‌ها استفاده شد. در ادامه از تجزیه و تحلیل واریانس بین‌گروهی با اندازه‌های تکراری در هر سه مرحله برای بررسی تفاوت‌های گروهی احتمالی در نمرات دقت آزمودنی‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد.

یافته‌ها

در پیش‌آزمون تفاوت معناداری در نمرات دقت دو گروه مشاهده نشد. اثر اصلی عامل بلوک $F(3, 120)$ و اثر اصلی عامل گروه $F(1, 38)$ معنادار نبود. تعامل بین گروه و بلوک نیز $F(3, 120)$ معنادار نبود. در ادامه نتایج آزمون تحلیل واریانس اندازه‌های تکراری مربوط به مرحله ارائه کلیشه‌های جنسیتی منفی و مثبت و مرحله یادداری به ترتیب در جدول ۱ و جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۱- نتایج آزمون تحلیل واریانس اندازه‌های تکراری مربوط به مرحلهٔ ارائهٔ کلیشه‌های جنسیتی

متغیر	بلوک‌های اجرایی	میانگین	منبع تغییرات	درجهٔ آزادی	آمارهٔ سطح معناداری
مرحلهٔ سه کوشش اول گروه کلیشهٔ منفی	۱/۲۴	عامل بلوک	۱	۷/۶۸	*۰/۰۰۵
ارائهٔ سه کوشش دوم گروه کلیشهٔ منفی	۱/۳۶	تعامل گروه و بلوک	۱	۲/۵۴	۰/۱۴
کلیشه- سه کوشش اول گروه کلیشهٔ مثبت	۱/۸۹				
های سه کوشش دوم گروه کلیشهٔ مثبت	۱/۹۱	عامل گروه	۳۸	۴/۵۲۴	*۰/۰۳۴

* $P \leq 0.05$

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که با توجه به عامل بلوک تفاوت معناداری بین دو بلوک وجود دارد ($P=0.005$) ولی در تعامل بین گروه و بلوک تفاوت معنادار نبوده است ($P=0.14$). همچنین عامل گروه نیز معنادار است ($P=0.034$) که نشان می‌دهد در مرحلهٔ ارائهٔ کلیشه‌های جنسیتی تفاوت معنادار بوده و گروه القای کلیشه‌های مثبت نتایج بهتری در دقت ضربات به اهداف کسب کرده‌اند.

جدول ۲- نتایج آزمون تحلیل واریانس اندازه‌های تکراری مربوط به مرحلهٔ یادداری بدون هیچ‌گونه القای کلیشه‌ای

متغیر	بلوک‌های اجرایی	میانگین	منبع تغییرات	درجهٔ آزادی	آمارهٔ سطح معناداری
مرحلهٔ سه کوشش اول گروه کلیشهٔ منفی	۱/۲۹	عامل بلوک	۱	۱۲۷/۱۴	*۰/۰۰۰
یادداری بدون هیچ- سه کوشش دوم گروه کلیشهٔ منفی	۱/۳۴	تعامل گروه و مرحله	۱	۴/۳۲	*۰/۰۳۸
گونه القای کلیشه‌ای سه کوشش اول گروه کلیشهٔ مثبت	۱/۷۳				
سه کوشش دوم گروه کلیشهٔ مثبت	۱/۸۱	عامل گروه	۳۸	۵/۵۴۱	*۰/۰۲۳

* $P \leq 0.05$

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که باتوجه به عامل بلوک تفاوت معناداری بین دو بلوک وجود دارد ($P=0/000$) و در تعامل بین گروه و بلوک نیز معنادار بوده است ($P=0/038$). همچنین عامل گروه نیز معنادار می‌باشد ($P=0/023$) که نشان می‌دهد در مرحله یاداری تفاوت معنادار بوده و گروه القای کلیشه‌های مثبت نتایج بهتری در دقت ضربات به اهداف کسب کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر القای کلیشه‌های جنسیتی بر یادگیری مهارت حرکتی فوتبال در دانش‌آموزان دختر بود. نتایج این پژوهش نشان داد که در مرحله اکتساب، هر دو گروه نمرات دقت مشابهی را در بلوک‌های اجرایی بدست آوردند. ولی در مرحله ارائه کلیشه‌های جنسیتی و مرحله یاداری، گروه القای کلیشه‌های مثبت نتایج بهتری در دقت ضربات توپ فوتبال به اهداف مربعی شکل کسب کردند و عملکرد و یادگیری بهتری در تمام این دو مراحل نشان دادند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که شرایط القای کلیشه‌ای می‌تواند یادگیری حرکتی ورزشی را در کودکان دختر تحت تأثیر قرار داده و حتی در موارد تهدید کلیشه‌ای باعث کاهش یادگیری و عملکرد نسبت به القای کلیشه‌های مثبت گردد. اجرای مهارت ضربه به توپ فوتبال و در شرایط القای کلیشه‌های منفی که در آن گفته شد زنان معمولاً بدتر از مردان عمل می‌کنند، منجر به نمرات دقت بدتری در طول آزمون‌های تمرین و یاداری گردید. این یافته‌ها با نتایج مطالعات چالابو و همکاران (۲۰۰۸)، بیلوک و همکاران (۲۰۰۶)، چالابو، بریس والتر و همکاران (۲۰۱۳)، کاردوزو، چالابو و چوپاکوفسکی (۲۰۲۲) و باستوس و همکاران (۲۰۲۳) هم‌راستا بود که بیان کرده بودند که کلیشه‌های مرتبط با توانایی ورزشی پایین بر عملکرد لحظه‌ای حرکتی زنان تأثیر می‌گذارد (۲۹). ما در ادامه مطالعات قبلی حتی این تأثیرپذیری را گسترش داده و بیشتر مورد بررسی قرار دادیم و تأثیر نسبتاً دائمی کلیشه‌ها بر یادگیری حرکتی شرکت‌کنندگان غیرمتخصص را در آزمون یاداری نشان دادیم. قابل توجه است که این تفاوت‌های بین شرایط در طول تمام مراحل آزمایشی مشاهده شد که نشان می‌دهد چگونه عامل القای کلیشه‌ای می‌تواند روی هر دو عملکرد فوری و همچنین در یادگیری چه از نوع مثبت و چه منفی تأثیرگذار باشد. گریندوفر^۱ بیان می‌کند که باورهای جنسیتی بسیار قدرتمند، فراگیر و مؤثر بر تمام ابعاد زندگی هستند و باورها و رفتارهای جنسیتی حتی در کودکی هم آشکار است. کالینز^۲ نیز معتقد است که کنترل بر ابزار و منابع سلطه‌چیزی بیش از

1. Grindofor

2. Collins

تفاوت‌های قدرت فیزیکی در بین افراد است و این کنترل از طریق قدرت‌های فراتر از دو جنس می‌تواند تعدیل یا تقویت شود (۳۰).

ما نیز در تبیین دلایل کاهش عملکرد تحت شرایط تهدید کلیشه‌ای می‌توانیم به تعدادی از مکانیسم‌های اثرگذار از جمله فرایندهای شناختی، عاطفی و انگیزشی اشاره کنیم (۳۱). در هنگام ارائه کلیشه‌ها خصوصاً کلیشه‌های منفی مرتبط با جنسیت که تحقیق حاضر مبین آن بود، مجموعه‌ای از مکانیسم‌های مرتبط از جمله استرس، حضور نظارت فعال بر عملکرد و تلاش‌های خودتنظیمی صورت گرفته در خود فرد، برای سرکوب افکار و احساسات منفی ناشی از کلیشه‌ها و جملات منفی باهم ترکیب می‌شوند تا عملکرد را مختل کنند (۳۲). کاهش مشاهده شده در عملکرد شرکت‌کنندگان پس از القای یک کلیشه منفی را با استفاده از فرضیه نظارت صریح می‌توان این‌گونه توضیح داد که طبق این فرضیه، تخصص در کارهایی که نیاز به هماهنگی دارند، مانند ضربه به توپ و دریبل زدن در فوتبال، به مهارت‌های رویه‌ای بستگی دارد که این مهارت‌ها نسبتاً خودکار و با حداقل مداخله سیستم حافظه فعال اجرا می‌شوند. در زمان القای کلیشه‌های منفی، افراد احتمالاً بیشتر درگیر تمرکز روی آن جمله شده و بر اجزای خاصی از اجرای تکلیف مورد نظر تمرکز زیادی می‌کنند که این امر منجر به تجزیه ساختار کنترل یکپارچه حرکت به زنجیره‌ای از واحدهای مستقل و کوچک‌تر می‌گردد که هر واحد به طور جداگانه فعال و اجرا می‌شود و در نتیجه، احتمال خطا افزایش یافته و متقابلاً عملکرد کاهش می‌یابد (۳۳). از طرفی در میان مکانیسم‌های ممکن (مثل نظارت فعال بر عملکرد، استرس و تلاش‌های خودتنظیمی)، اشمایدر و همکاران (۲۰۰۸) استدلال می‌کنند که یکی دیگر از عوامل مؤثر بر عملکرد می‌تواند اتخاذ استراتژی‌های دفاعی خودتنظیمی باشد (۳۴). در واقع، در مطالعه حاضر، افرادی که کلیشه‌های منفی دریافت کردند، اظهار می‌کنند که سعی داشته‌اند ریسک کمتری بپذیرند و مناطقی را مورد هدف قرار دهند که احتمال بیشتری برای کسب امتیاز داشته است که نشان می‌دهد مطابق با نظریه تناسب تنظیمی هیگینز (۲۰۰۰) که در مقدمه نیز عنوان شد، اثرات تهدید کلیشه‌ای یا کلیشه‌های منفی به طور خلاصه به اهداف شرکت‌کنندگان بستگی زیادی داشته و این افراد به میزان زیادی تمرکز بر پیشگیری را اتخاذ کرده‌اند.

همچنین مطابق با نظریه طرحواره جنسیتی آساندرا بم^۳ (۱۹۸۱)، افراد تمایل دارند بسیاری از امور را به عنوان اموری مرتبط با جنسیت دیده و آن‌ها را بر اساس جنسیت طبقه‌بندی کرده و بازنمایی کنند. در واقع طرحواره جنسیتی اطلاعات جدید و در حال ورود را مثل کلیشه‌های منفی‌ای که در این پژوهش به شرکت‌کنندگان القا شد، پردازش کرده و اقدام به تفسیر آن می‌کند که همین امر عملکرد را تحت تأثیر می‌گذارد (۹). از طرفی همان‌طور که

1. Schmader

2. Gender Schema Theory

3. Sandra Bem

قبلاً هم اشاره شد بر خلاف اکثر تحقیقات قبلی که فقط تأثیر کلیشه‌های منفی را مورد بررسی قرار داده‌اند، ما در این پژوهش نشان دادیم که کلیشه‌های مثبت هم بر ارتقاء عملکرد و یادگیری تأثیرگذار هستند. شرایط تمرینی که در آن حس شایستگی بیشتری در فرد ایجاد شده یا سطح انتظارات عملکردی او را افزایش می‌دهد، انگیزه فرد را نیز برای اجرای بهتر همان عمل افزایش می‌دهد و در نتیجه باعث ارتقاء عملکرد و یادگیری می‌شود (۳۵). که این نتایج در بررسی‌هایی با استفاده از ارائه بازخورد مثبت تأیید شده است (۷). ارائه کلیشه‌های مثبت به همراه نقش انگیزشی (یا انرژی زایی)، یادگیرنده را آگاه ساخته و باعث می‌شود یادگیرنده اهداف اجرایی بالاتری را تنظیم نماید و به‌طور کلی تکلیف را جذاب‌تر می‌سازد. از آن‌جا که اکثر این آثار اجرایی بوده، اما دارای یک تأثیر غیرمستقیم یادگیری نیز هستند، هنگامی که یادگیرنده در سطح انگیزتگی بالایی قرار دارد، تمایل بیشتر، طولانی‌تر، شدیدتر و جدیت بیشتری برای تمرین دارد و هر عاملی که باعث ارتقاء سطح تمرین گردد، می‌تواند یادگیری را نیز افزایش دهد (۳۶).

به‌طور کلی نتایج یافته‌های پژوهش حاضر نقش تأثیرات انگیزش و ایجاد شرایط کلیشه‌ای را بر یادگیری حرکتی یک بار دیگر برجسته می‌کند. با این حال، مکانیسم‌های خاص زیربنایی این اثرات هنوز باید مورد بررسی بیشتری قرار بگیرد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از حجم نمونه بزرگتری استفاده شود و همچنین به‌کار بردن یک سری پرسشنامه‌ها برای اندازه‌گیری میزان خودکارآمدی افراد بلافاصله پس از دستکاری باورهای کلیشه‌ای، می‌تواند به بررسی مکانیزم‌های ایجاد شده کمک بیشتری بکند. در نهایت پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده متغیرهایی که به‌طور بالقوه می‌توانند با تأثیرات یافت‌شده تعامل داشته باشند و در این مطالعه به آن‌ها پرداخته نشد، متغیرهایی مانند جنسیت، توانایی ورزشی شرکت‌کنندگان و شرایط اجتماعی محیط تمرین مورد بررسی قرار گیرند. این پژوهش دارای محدودیت‌هایی نیز هست که تحلیل نتایج باید با ملاحظه آن‌ها انجام شود. به‌عنوان مثال با توجه به تنوع فرهنگی در کشور تعمیم‌پذیری نتایج، مستلزم تکرار تحقیق در سایر نقاط کشور می‌باشد. دوم این‌که هر چند اندازه حجم نمونه پژوهش حاضر مطابق با دیگر پژوهش‌های قبلی صورت گرفته در این حوزه بود اما عاقلانه است که در مطالعات آتی شرکت‌کنندگان بیشتری را به‌منظور افزایش قدرت آماری و شناسایی اثرات جانبی دیگر به کار گرفت. در نهایت این‌که پژوهش حاضر توسط یک آزمایشگر زن برای هر دو گروه اجرا شد که همین امر ممکن است به‌طور ضمنی باعث تأثیرگذاری بر ادراک افراد از کلیشه‌ها شده و در نتیجه عملکرد افراد را مختل کند.

با توجه به این‌که کلیشه‌های جنسیتی، در برخی موارد دختران و زنان را به‌عنوان انسان‌هایی برخوردار از حقوق کامل به رسمیت نمی‌شناسد، از برقراری روابط هماهنگ و برابر میان افراد دو جنس و از شرکت کامل دختران و زنان در پیشرفت جامعه خود جلوگیری می‌کند و بدین ترتیب دختران را از شکوفایی تمام توانایی‌های انسانی خود

باز می‌دارند یا پسران و مردان را از شکوفایی همه جانبه احساسات باز می‌دارند که هر چه بیشتر به سمت خشونت، رقابت، پرخاشگری پیش بروند (۳۷). بنابراین شناخت این کلیشه‌ها و عوامل مرتبط با آن، به‌ویژه در حوزه ورزش می‌تواند گام مهمی در پیشگیری از پیش‌داوری‌ها محسوب شود و نقش آن‌ها را در فرآیند توسعه برجسته نماید. لذا به مربیان یا افرادی که در زمینه آموزش مهارت‌های حرکتی هستند پیشنهاد می‌شود با توجه به اثرات زیان‌آور کلیشه‌های منفی بر انگیزش درونی و عملکرد، از ارائه این نوع کلیشه‌ها در طول فرآیند یادگیری اجتناب کنند. به‌طور خلاصه نتایج این پژوهش به لحاظ کاربردی بیانگر آن است که رشته‌های ورزشی مثل فوتبال که در حقیقت مستقل از موضوع جنسیت هستند و به لحاظ قانونی نیز امکان مشارکت زنان به اندازه مردان در آن وجود دارد، می‌باید بیشتر مورد توجه و توسعه برای زنان در جامعه باشند و با حذف برخی باورها و کلیشه‌های جنسیتی بی‌اساس در جامعه و عدم جنسیتی کردن رشته‌های ورزشی، مسیر مشارکت فعال کودکان دختر در این رشته‌های ورزشی هموارتر گردد و شاهد رشد هرچه بیشتر ورزش دختران سرزمین‌مان ایران در عرصه رقابت‌های بین‌المللی و جهانی باشیم.

Effects of Inducing Gender Stereotypes on Learning of Soccer Movement Skill in Female Students

Abstract

Stereotypes are general and inflexible ideas that take place in the human mind and are used in judgments that can affect a person's perception, abilities and performance. The purpose of this study was to investigate the effect of gender stereotypes on learning of soccer movement skill in female students. Participants of this semi-experimental and field research were 30 female students with an average age of $M=12\pm0.43$ that were randomly assigned to two groups: stereotype threat or negative stereotypes and stereotype lift or positive stereotypes. The task was required participants to perform low kicks at a squared target attached to a wall. Accuracy scores were analyzed in analysis of variance with repeated measures. The results showed that both experimental groups obtained similar accuracy scores in the task acquisition process. But in the stage of induction of gender stereotypes and retention test, the positive stereotypes group got better results. It seems that the use of various stereotyped sentences has an effect on a person's perception, motor performance, learning and motivation.

Keywords: gender stereotypes, stereotype treat, motor learning, girls

منابع:

1. Schmidt, R. A., & Lee, T. (2011). Motor control and learning: A behavioral emphasis (2nd ed). Champaign: Human Kinetics. Social Psychology, 30(1), 18–26.
2. Lewthwaite, R., & Wulf, G. (2012). Motor learning through a motivational lens. In N. J. Hodges, & A. M. Williams (Eds.), Skill acquisition in sport: Research, theory & practice (2nd ed). (pp. 173e191). London: Routledge.
3. Norouzi R, kouzeh chian H, Tondnevis F. (2012). The Relationship between Coaching Leadership Styles and the Progress Motivation of Iranian Elite Judoists. Sport Management Studies; (14): 175-190. (Persian)
4. Sage G H. (1999). Learning and motor control from the perspective of neuroscience. Translated by: Hasan Mortazavi. Tehran: Sonboleh Publication. (Persian)
5. Heidrich, C., Chiviackowsky, S. (2015). Stereotype threat affects the learning of sport motor skills. Psychology of Sport and Exercise 18, 42e46.
6. Dashti Khovidaki, M., Hosseini, S H. (2014). A comparative study of the acceptance of gender stereotypes and its relationship with the level of religiosity (study of men and women over 20 years of age in District 6 of Tehran in 2012). Women and Family Studies, Volume 3, Number 2, pp. 151-183. (In Persian)
7. Yousefi, B. (2012). Gender equality in competitive sports. New Approaches in Sports Management, Volume 1, Number 2, pp. 31-42. (In Persian)
8. Schmalz, D., & Kerstetter, D. (2006), Girlie girls and manly men: Children's stigma consciousness of gender in sports and physical activities. Journal of Leisure Research, (38), pp: 536-557.
9. Abdi Nemat Abad, S., Ghadimi, B., Hojjat, Sh., Shojaei, M., Alipour Darvishi, Z. (2021). Sociological study of the role of gender cultural beliefs in women's sports talent search. Journal of Iranian Social Development Studies. Vol. 13, No. 2. (In Persian)
10. Steele, C. M., & Aronson, J. (1995). Stereotype threat and the intellectual test performance of African Americans. Journal of Personality and Social Psychology, 69(5), 797–811. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.69.5.797>
11. Wulf, G., & Lewthwaite, R. (2009). Conceptions of ability affect motor learning. Journal of Motor Behavior, 41, 461e467.
12. Chiviackowsky, S., & Drews, R. (2014). Effects of generic versus non-generic feedback on motor learning in children. PLoS One, 9(2), e88989.

13. Beilock, S. L., Jellison, W. A., Rydell, R. J., McConnell, A. R., & Carr, T. H. (2006). On the causal mechanisms of stereotype threat: Can skills that don't rely heavily on working memory still be threatened? *Personality & Social Psychology Bulletin*, 32(8), 1059–1071. <https://doi.org/10.1177/0146167206288489>
14. Chalabaev, A., Dematte, E., Sarrazin, P., & Fontayne, P. (2014). Creating regulatory fit under stereotype threat: Effects on performance and self-determination among junior high school students. *Revue Internationale de Psychologie Sociale*, 27(3–4), 119–132.
15. O'Brien, L. T., & Crandall, C. S. (2003). Stereotype threat and arousal: Effects on women's math performance. *Personality & Social Psychology Bulletin*, 29(6), 782–789. <https://doi.org/10.1177/0146167203029006010>
16. Aronson, J., Lustina, M. J., Good, C., Keough, K., Steele, C. M., & Brown, J. (1999). When white men can't do math: Necessary and sufficient factors in stereotype threat. *Journal of Experimental Social Psychology*, 35(1), 29–46. <https://doi.org/10.1006/jesp.1998.1371>
17. Steele, C. M. (1997). A threat in the air: how stereotypes shape intellectual identity and performance. *American Psychologist*, 52(6), 613e629.
18. Higgins, E.T. (2000). Making a good decision: Value from fit. *American Psychologist*, 55(11), 1217. <https://doi.org/10.1037/0003-066X.55.11.1217>.
19. Seibt, B., & Förster, J. (2004). Stereotype threat and performance: How self-stereotypes influence processing by inducing regulatory foci. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87(1), 38. PubMed ID: 15250791 <https://doi.org/10.1037/0022-3514.87.1.38>.
20. Chalabaev, A., Sarrazin, P., Stone, J., & Cury, F. (2008). Do achievement goals mediate stereotype threat?: An investigation on females' soccer performance. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 30(2), 143–158. PubMed ID: 18490787 <https://doi.org/10.1123/jsep.30.2.143>.
21. Chalabaev, A., Dematte, E., Sarrazin, P., & Fontayne, P. (2014). Creating regulatory fit under stereotype threat: Effects on performance and self-determination among junior high school students. *Revue internationale de psychologie sociale*, 27(3), 119–132.
22. Taylor, V. J., & Walton, G. M. (2011). Stereotype threat undermines academic learning. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 37(8), 1055–1067. <https://doi.org/10.1177/0146167211406506>

23. Rydell, R. J., Rydell, M. T., & Boucher, K. L. (2010). The effect of negative performance stereotypes on learning. *Journal of Personality and Social Psychology*, 99(6), 883e896.
24. Chalabaev, A., Brisswalter, J., Radel, R., Coombes, S. A., Easthope, C., & Clément-Guillotin, C. (2013). Can stereotype threat affect motor performance in the absence of explicit monitoring processes? Evidence using a strength task. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 35, 211e215.
25. Cardozo, P., Chalabaev, A., & Chiviawowsky, S. (2022). Effects of Gender Stereotypes on Balance Performance and Learning in Men. *Journal of Motor Behavior*, DOI: 10.1080/00222895.2022.2045248
26. Bastos Brenda de Pinho, Chiviawowsky Suzete, Drews Ricardo & Cardozo Priscila (2023) Gender Stereotype Threat Undermines Dance Performance and Learning in Boys, *Journal of Motor Behavior*, DOI: 10.1080/00222895.2023.2166454.
27. Deshayes, M., Clément-Guillotin, C., Zory, Z. (2019). Men are better than Women!" The Positive Effect of a Negative Stereotype toward Women on a Self-Paced Cycling Exercise. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 41, 242-250.
28. Mardani Nia, M., Hairinejad, S., Shatab Bushehari, S., Shafinia, P. (2017). Investigating the gender classification of sports from the point of physical education teacher's view. *Journal of sports management and motor behavior*, 14th year, 28th issue. (In Persian)
29. Chalabaev, A., Stone, J., Sarrazin, P., & Croizet, J. C. (2008). Investigating physiological and self-reported mediators of stereotype lift effects on a motor task. *Basic and Applied Social Psychology*, 13(1). <https://doi.org/10.1080/01973530701665256>
30. Keshkar, S., Ghasemi, H., Shiroie, A. (2012). The Relationship between News Management Components and Sport Reports with an Emphasis on Gender Orientation in Sport Newspapers. *Sport Management Journal*. V 14, 5-29. <https://doi.org/10.22059/jsm.2012.28902> (In Persian)
31. Schmader, T., Johns, M., & Forbes, C. (2008). An integrated process model of stereotype threat effects on performance. *Psychological Review*, 115(2), 336–356. <https://doi.org/10.1037/0033-295X.115.2.336>
32. Beilock, S.L., & Carr, T.H. (2001). On the fragility of skilled performance: What governs choking under pressure? *Journal of Experimental Psychology: General*, 130, 701–725. doi:10.1037/0096-3445.130.4.701

33. Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, 55(1), 68–78. <https://doi.org/10.1037/0003-066X.55.1.68>
34. Schmader, T., Johns, M., & Forbes, C. (2008). An integrated process model of stereotype threat effects on performance. *Psychological Review*, 115(2), 336. PubMed ID: 18426293 <https://doi.org/10.1037/0033-295X.115.2.336>.
35. Wulf, G., & Lewthwaite, R. (2016). Optimizing performance through intrinsic motivation and attention for learning: The OPTIMAL theory of motor learning. *Psychonomic Bulletin & Review*, 23(5), 1382–1414. <https://doi.org/10.3758/s13423-015-0999-9>.
36. Ericsson, KA. The road to excellence: The acquisition of expert performance in the arts and sciences, sports, and games. . 1996. Mahwah, NJ: Erlbaum.
37. Michel, Andrew. (1998). Fighting sexism. (Mohammed Jafar Poivendeh). Tehran, Negah. (Persian)